

احیای باغ های ایرانی با استفاده از مبانی حکمی فرهنگ اسلامی

مجتبی انصاری^۱

امین علیزاده^۲

هادی محمودی نژاد^{۳*}

Hadi_urban@yahoo.com

محمد رضا پورجعفر^۴

علی اکبر تقوایی^۵

تاریخ پذیرش: ۸۶/۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۸۶/۲/۵

چکیده

رویکرد ایرانیان در شناسایی محیط زیست و احداث محیط های مصنوع زیستی (باغ و پردیس) بر اساس دو دیدگاه "محیط شناسی اقلیمی" و "محیط شناسی تعهدی" شکل می گیرد، چنان که ایرانی هرگز محیط زیست خود را جدای از فرهنگ و جهان بینی ندیده است. همین امر باعث شده است که باغ های ایرانی تمثیلی از باغ های بهشتی و جلوه ای از تلاش معماران باغ ساز ایرانی در ساخت باغ و پردیس هایی در این جهان فناپذیر باشد تا جلوه ای از فناپذیری و جاودانگی جهان ابدی و باغ های بهشتی را در پهنه خاک به نمایش در آورد. بر این اساس آن چه بایستی در احیای محیط زیست شهری و باغ های ایرانی مورد توجه قرار گیرد، بررسی و بازبینی مفاهیم عالیه اسلامی برخواسته از جهان بینی اسلامی است که رویکرد پژوهش حاضر را نیز تشکیل می دهد. بر این اساس، در این گفتار در روش "تحلیلی - تطبیقی" با رجوع به آیات قرآنی و تفاسیر و سفرنامه های خارجی و نوشته های نویسندگان ایرانی تلاش می شود تا مفاهیم مرتبط با احیای محیط زیست ایرانی استخراج شود. نتایج تحقیق حاضر بر این مهم استوار می شود که محیط زیست ایرانی به طور اعم، جلوه گاه تزکیه و سکینه روحانی و باغ و پردیس ایرانی به طور اخص، نمادی تمثیلی از بهشت و باغ های بهشتی است که بایستی در روند طرح ریزی، احداث و سامان دهی محیط زیست و باغ های ایرانی مورد توجه قرار گیرد.

واژه های کلیدی: قرآن کریم، باغ های ایرانی، مبانی حکمی فرهنگ اسلامی، بهشت.

۱- دانشیار گروه معماری منظر دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۲- کارشناس ارشد معماری دانشگاه هنر اسلامی تبریز

۳- پژوهشگر دوره دکتری معماری و مدرس دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس* (مسئول مکاتبات)

۴- دانشیار گروه طراحی شهری دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

۵- دانشیار گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

علوم زیست محیطی جدید فضاهای محافظت شده را به دو دسته عمده تقسیم بندی می کند:

- ۱- فضاهای حفاظت شده با نام لاتین "in situ" به معنی درون مضمون.
- ۲- فضاهای حفاظت شده با نام لاتین "ex situ" به معنی برون مضمون (۱).

گروه اول با نام پارک های طبیعی شناخته می شوند که در این مکان ها حفاظت طبیعت با مراقبت انسان تضمین می شود. از طرف دیگر، منابع زیادی در تکریم طبیعت و مضامین طبیعی در قرآن یافت می شود، چنانچه مفهوم "حیما" دقیقاً معرف گونه حافظتی "in situ" می باشد. گروه دوم این فضاها، اکوسیستم های ایجاد شده "ex novo" می باشند: نظیر باغ ها، باغچه های گیاه شناسی، مراکز ژنتیکی و سایر بناهایی که توسط بشر با هدف ایجاد نظارت آسان بر اجرای برنامه های علمی و آموزش احترام به طبیعت ایجاد شده است.

از سویی دیگر، رویکرد ایرانیان در طرح و احداث باغ ایرانی از دو دیدگاه تاثیر می پذیرد:

- ۱- محیط شناسی اقلیمی.
 - ۲- محیط شناسی تعهدی (۲).
- در دیدگاه اول هنر باغ و پردیس سازی همانند معماری، تابع عوامل و شرایط طبیعی هر محیط بوده است و باغ ایرانی، به شکل مجموعه ای به هم پیوسته، به عنوان فراهم کننده شرایط مساعد آب و هوایی برای رشد و گسترش فضای سبز، تولید رطوبت و اکسیژن و تنظیم شرایط اقلیمی و محیطی عمل می کند.

فراتر از مسایل مربوط به اقلیم، در دیدگاه بعدی محیط شناسی تعهدی مطرح می گردد که در آن فرهنگ و اعتقاد ایرانی مبنای این محیط شناسی قرار می گیرد، چنانچه محیط شناسی اقلیمی به عنوان مقدمه ای برای این محیط شناسی تعهدی قرار می گیرد.

علاوه بر این، ایرانی هرگز تعامل و کنش خود با محیط را جدا از فرهنگ و دین خود ندیده است و این دو عامل همواره در کنار یکدیگر در باغ ایرانی معنا پیدا می کند. با توجه به مفهوم حکمت که قرار دادن هر چیز در جایگاه خویش است، باغ سازی ایرانی نه اقدامی تفننی بلکه حرکتی حکیمانه بوده و در رویکردی علمی انجام می شده است. در باغ ایرانی، هر چیز در جایگاه شایسته و بایسته خویش قرار گرفته است. استفاده از مواد و مصالح، گیاهان، آب، هندسه و عناصر باغ بسیار آگاهانه صورت گرفته است و شناخت عمیق ایرانی از محیط زیست و اقلیم، جهت استفاده صحیح از مصالح را نشان می داده است، به گونه ای که باغ ایرانی از نوعی طراحی اقلیمی متعالی برخوردار بوده است. طرح و انتخاب گیاهان باغ ایرانی، خود نشان از هوشمندی و دانش ایرانی دارد، چنان که هر گیاهی را در هر کجای باغ کاشته نمی شده است. این امر را می توان به این دلیل دانست که هم زیبایی بسترهای کاشت باغ فراهم می شد و هم مصارف دارویی گیاهان مورد توجه قرار می گرفت. در مکان گزینی باغ ایرانی مکان هایی برای ساختن باغ استفاده می شد که به لحاظ قابلیت های محیطی دارای استعداد بالقوه باغ سازی بودند و علاوه بر این، باغ و پردیس نمادی متعالی از به تصویر در آوردن کالبدی بهشت بر زمین خاکی بود (۳) که در این گفتار تلاش می شود تا با رجوع به قرآن کریم و آیات و احادیث و روایات موجود به این نکته پرداخته شود که محیط شناسی ایرانی صبغه ای دینی و روحانی در کنار محیط شناسی اقلیمی و بومی دارد، چنانچه باغ ایرانی مفهومی نمادین و تمثیلی از بهشت دارد (۵-۳).

اهداف تحقیق

تقویت همزمان هر دو گونه فضاهای زیست محیطی که در بالا اشاره شد، هدف اصلی تحقیق می باشد تا در این میان بتوان به احیای باغ های ایرانی که در انطباق با ساختار زیست محیطی و منبعث از مبانی نظری و حکمی فرهنگ ایرانی است، پرداخت. بر این اساس، هدف نخستین طرح حاضر را بایستی بازخوانی

۲_ روش تطبیقی

در این رویکرد به بازبینی منابع و مواد تحقیق و تطبیق آن ها با مبانی نظری باغ سازی ایرانی پرداخته می شود تا امکان انطباق مولفه ها و عناصر باغ ایرانی با مبانی نظری فرهنگ اسلامی (مفهوم بهشت و باغ های بهشتی) فراهم شود. بر این اساس در این روش امکان مقایسه باغ های ایرانی با توصیفات و تصاویر و شرح باغ های بهشتی در قرآن کریم و آیات و روایات و در عین حال باغ های سنتی و تاریخی ایرانی در رویکردی تطبیقی فراهم می شود.

۳_ روش تحلیلی

در این روش با تحلیل و ارزیابی نوشته های گردشگران و نویسندگان به تحلیل توصیفات ایشان از باغ های ایرانی پرداخته می شود تا از این طریق و در رویکردی تحلیلی، عناصر و مولفه های باغ ایرانی مورد شناخت قرار گیرد.

فرضیه های تحقیق

از آن جا که ایرانی هرگز تعامل و کنش خود با محیط راجدای از فرهنگ و دین خود ندیده، مبانی فکری و حکمی پر محتوایی در محیط شناسی و باغ سازی ایرانی شکل گرفته است که می بایستی با استخراج و سامان دهی به تعمیم دهی آن ها به باغ های معاصر امکان داد. از سویی دیگر، باغ ایرانی همواره مفهومی نمادین از بهشت و باغ های بهشتی دارد که می تواند در احیا و بازسازی مجدد باغ های ایرانی خاصه باغ های گیاه شناسی مورد استفاده قرار گیرد. از همین روی است که فرض اصلی تحقیق این است که: چنین به نظر می رسد که باغ و پردیس ایرانی تمثیلی از بهشت باشد که معمار ایرانی در صدد بر آمده است تا با عنایت به این توصیف ها به ساخت باغ هایی در این جهان فناپذیر، بپردازد تا جلوه ای از فناپذیری و جاودانگی جهان ابدی و باغ های بهشتی را در جهان مادی به تصویر و تجسیم کشد.

محیط زیست باغ های سنتی ایران، برای سامان دهی و بازسازی باغ و پردیس های کشور به شمار آورد. علاوه بر این، اهداف دیگر طرح به تفصیل عبارتند از:

۱. ایجاد باغ های ایرانی بر اساس فرهنگ اسلامی.
۲. کمک و جهت دهی به ایجاد باغ های اصیل ایرانی در سایر نقاط جهان با عملکرد ارتباطی.
۳. ایجاد شبکه آموزشی، علمی و فرهنگی در میان باغ های مورد اشاره در ایران و جهان.
۴. تلاش در راستای حفاظت محیط زیست شهری (باغ و پردیس) در بستر توسعه پایدار.
۵. اشاعه و گسترش مفاهیم فرهنگ اسلامی با بازسازی باغ های بر خاسته از جهان بینی دینی.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر روش تحقیق "تطبیقی _ تحلیلی" است که با استناد به منابع دینی و اسلامی و مطالعات و اسناد و مدارک مرتبط با تحقیق، در بستر مطالعات کتابخانه ای تلاش دارد تا بتواند در راستای اهداف تحقیق گام بردارد. بر این اساس در این تحقیق از روش های زیر برای حصول نتایج استفاده می شود:

۱_ روش توصیفی

در این رویکرد با استناد به قرآن کریم و آیات و روایات و در بستر رجوع به تفاسیر قرآن کریم تلاش می شود به بیان ویژگی ها، شاخصه ها و معیارهای مورد اشاره در "توصیف باغ های بهشتی" پرداخته شود. علاوه بر این با رجوع به سفرنامه های گردشگران خارجی (۱۰-۶ و ۱۴-۱۲) و آثار نویسندگان و شعرای ایرانی (۲۰-۱۵)، این امکان فراهم می شود تا در رویکردی توصیفی به ساختار، ویژگی ها، مولفه ها و عناصر باغ و پردیس ایرانی اشاره شود تا بتوان به تعمیم نتایج و استخراج معیارهای باغ های ایرانی اصیل که بر انگیخته از مبانی فکری و حکمی اسلامی است، امکان داد.

مبانی نظری تحقیق

در راستای احیای باغ های ایرانی و خاصه باغ های گیاه شناسی، لازم به نظر می رسد تا با ارائه مبانی نظری فرهنگ اسلامی به ساختار حاکم بر طرح ریزی و احداث باغ ایرانی و مبانی فکری و حکمی موجود در باغ سازی ایرانی اشاره شود. بر این اساس در این بخش لازم است تا با اشاره به مفهوم بهشت در ادیان الهی و خاصه دین مبین اسلام، به جایگاه بهشت در اسلام به عنوان زیر بنای فکری تحقیق پرداخته شود که در ادامه مورد بحث قرار می گیرد:

بهشت و انسان

بهشت مکانی است که ارواح نیکوکار در آن به سعادت جاوید می رسند. این دیدگاه از ابتدای تاریخ با بشر بوده و مهم ترین تفکرات وی درباره حیات پس از مرگ را به خود اختصاص داده است. با وجود آن که بهشت هیچوقت به میزان "جهنم" در اعتقادات بشر وضوح نداشته است، ولی در اکثر آن ها به بهشت بعد از مرگ پرداخته شده که به اهم آن ها اشاره می شود (۲۱):

۱. در مصر باستان اوزیریس^۱ _ خدای بزرگ ارواح و قلمروهای خاص او چمنزارهای یالو^۲ بهشت جمله ارواح نیکوکار مصری بوده است.

۲. در اسطوره شناسی یونان تنها قسمتی از دوزخ بنام "الیزئوس"^۳، بهشت ارواح نیکوکار به شمار می رفت که همان نامی است که به اروپا رسیده و مترادف با بهشت است، مانند "شانه لیزه" و "میدان های الیزه ای".

۳. در نزد "کلدانیان" و "آشوریان" نیز روح مرده، پس از فراموشی حیات زمینی به شهر مردگان که هفت برج و بارو دارد، رفته و پس از محاکمه در صورت رو سفید در آمدن از قضاوت فرمانروای آن دیار، اجازه

می یابد همانند پرندگان شبانه در شفق جاودان پرواز کند و در جزایر سعادت که در مصب رودخانه ای که به سرزمین مردگان می رود، آشیان گیرد.

۴. در هنر هندی، اندیشه «ودایی» به شناخت هستی و روح در حیطه کائنات و جهان ارواح می پردازد و برای رهایی از زندگی پوچ و مناسبات اعتباری که «سانسارا»^۴ نام می گیرد، از گردونه تناسخ «کارما»^۵ رهایی می جوید و برای ورود به قلمروی بیداری روحانی و کشف حقیقت وجود خویشتن در راه اتصال به حقیقت هستی به وادی بینایی «ویدیا»^۶ قدم می نهد تا در پی جهادی روحانی و کسب فضایل به آرامش و سکون «نیروانا»^۷ دست یابد، چنان که بر اساس دو اصل "برهمن" و "آتمان"، روح باید مجرد شود و در طی تناسخ های مکرر نهایتا کل خود را بیابد.

۵. در "چین" نیز ارض غربی سعادت با هفت حصار، هفت ایوان، کاخ های پر از استخر آراسته یا کوه مرموز "کئوئن _ لوئن" با کاخ نه طبقه یشمی و باغ هایی با درختان هلو و یا با میوه حیات در نظر گرفته می شده است.

۶. در آیین کهن "ژاپن" درباره بهشت توصیف مشخصی یافت نمی شود، چنان که پیش از غلبه آیین بودایی اعتقاد بر این بوده است که بهشت جایی در آسمان قرار داشته و با پلی به زمین متصل بوده، اما زمانی (در هنگام خواب خدایان) این پل در دریا ریخته و دماغه کیوتو از آن پدید آمده است.

۷. طبق عقاید زردشتی برزخ میان زمین و طبقه ستارگان است. بهشت در ستاره پایه طبقه ستارگان و از آن جا به بالاست. بهشت واقعی در خورشید پایه است و ایزدان مینوی در آن جای دارند. این اعتقاد

4- sansara

5- carma

6- vidia

7-nirvana

1-Osiris

2-Iyalo

3-elyseos

۲- بهشت در دین یهود

در دین یهود تنها از بهشت آدم نام برده شده است، چنان که آورده شده است (۲۱): "بهشت زمینی از دیدگاه یهود جایی است که خدا انسان را در آن آفرید و پس از خوردن میوه ممنوعه توسط انسان از این "باغ عدن" اثری نماند. این باغ ظاهراً در ناحیه بین النهرین قرار داشته و دجله و فرات دو رود از رودهای چهارگانه آن بوده اند و دو درخت خاص این باغ درخت زندگی و درخت معرفت نیک و بد است.

۳- بهشت در دین مسیحی

"مسیحیت" معتقد است خداوند انسان را معصوم و کامل آفرید ولی بر اثر خوردن میوه ممنوعه توسط آدم و حوا، دروازه ملکوت آسمان بر روی همه فرزندان آدم بسته ماند و حتی پیغمبران بنی اسرائیل پس از مرگ تا ظهور عیسی مسیح، در قسمتی از برزخ یا اعراف^۱ قرار داشتند و به ملکوت آسمان راه نیافتند. با حلول عیسی به "قالب انسانی"، او با تحمل رنج شکنجه و شهادت گناه اصلی یا گناه آدم را "واخريد"^۲ کرد و از این پس است که ارواح بشری به بهشت یا جهنم راه خواهند یافت. در انجیل در دو جا از آسمان به صورت "فردوس" نام برده شده (۲۴) و با این ترتیب این نظر که بهشت در آسمان است، تایید شده اما علی رغم این مطلب در عالم مسیحیت تصویر روشنی از بهشت ارایه نشده است (۲۵).

۴- بهشت در دین اسلام

قرآن کریم در حدود ۳۸۶ آیه با به کارگیری کلمات مترادف بهشت: "جَنَّة، الْجَنَّة، جَنَّات، جَنَّتِین، حَدَائِق" و اجزای بهشت "الانهار و العیون" و ... به معرفی بهشت پرداخته است که در ۸۱ مورد بهشت های زمینی و ۳۰۶ مورد بهشت و دنیای آخرت را توصیف کرده است و ۴ مورد از توصیفات بهشت های زمینی و اخروی با هم مشترک می باشد. ذکر این نکته نیز لازم است که در اکثر آیاتی که باغ و بهشت

که گاه "ابر پایه" نیز بدان اضافه می شده است که با نفوذ نجوم بابلی بر نجوم ایرانی، به هفت پایه (ابر پایه، سپهر اختران، سپهر ستارگان، ماه پایه، خورشید پایه، گاه امشاسپندان و روشنی بیکران) تغییر یافته است (۲۱).

۸. در آیین "مزدیسنی" نیز از "چینود پل" (پلی که این جهان را به جهان دیگر می پیوندد)، هنگام عبور روح نیکوکار پهنای پل به پهنای نه نیزه و هنگام عبور ارواح بدکار نازکتر از یک تیغ می شود. نیکوکاران بعد از گذر از پل به بهشت و بدکاران به دوزخ و کسانی که کرفه و گناهشان هم سنگ است، به همیستانگان (اعراف) راهنمایی می شوند (۲۱).

هر چند که اعتقاد به دنیای پس از مرگ و بهشت در ایرانیان قبل از اسلام وجود داشته است، ولی این که با تصاویر باغ در دنیای واقعی به چه میزان تطابق داشته، نیازمند تحقیقات جامع و مانعی است و در اینجا تنها به بیان مطلبی از خاطرات "م. پیلیه" باستان شناس فرانسوی در ایران درباره کاخ داریوش در شوش اشاره می شود: "باغ های کاخ که به بهشت های شوش مشهور شده اند، باید در قسمت های شمالی تپه های شوش از آن ها سراغ بگیریم و این که این باغ ها را بهشت گفته اند گزافه نیست، زیرا در این مناطق سوزان وجود چنین باغ ها با درختان درهم و پر سایه نادر بوده است و فقط پادشاهان مقتدر آن زمان قادر بوده اند، چنین باغ هایی را به وجود آورند (۲۲).

بهشت در ادیان الهی

۱- بهشت آدم

همه ادیان الهی، انسان را موجودی رانده شده از بهشت (بهشت امتحان) می دانند و او را به بهشت موعود وعده داده اند. بهشت آدم را در اعتقاد اسلامی غیر از بهشت موعود (آخرت) می دانند و معتقدند که در آسمان بوده نه در قسمتی از کره زمین و در حقیقت نوعی بهشت برزخی بوده است (۲۳).

1-Limbo

2-Rendition

دنیوی توصیف شده، به قدرت و حکمت خدای متعال و دل نبستن به جهان مادی اشاره شده است.

در ادامه به ذکر نام های بهشت در قرآن کریم پرداخته می شود تا امکان بررسی تطبیقی تشابه اسمی میان باغ های ایرانی و نام های بهشت در قرآن کریم فراهم شود.

نام های بهشت در قرآن کریم

درباره نام های بهشت در قرآن کریم می توان به اسامی "خاص" و اسامی "عام" اشاره کرد که در اکثر تفاسیر بهشتی از هفت یا هشت بستان بهشتی (۲۶) نام برده شده است که عبارتند از: (۲۷) "جنت فردوس، جنت عدن، جنت نعیم، دار الخلد، جنت الماوی، دارالسلام و علیون (علیین) که هر کدام مراتب و درجات متفاوت دارند و به مهمترین آن ها اشاره می شود:

۱_ باغ ارم

در آیه ۷ و ۸ سوره والفجر آمده است: (ارم ذات العاد) _ التی لم یخلق مثلها فی البلاد = (آنی که همتایش در شهرها آفریده نشد)، در تفاسیر داستان "بهشت ارم" را که یکی از افسانه های معروف قدیمی عرب است، روایت کرده اند (۲۸-۳۰) و در تاریخ مازندران نیز در این مورد آمده است که: گویند واضح باغی است مشهور به ارم و برخی بر آنند که ارم، "باغ شداد" است که چون هود پیغمبر توصیف بهشت الله تعالی کرد، وی در عوض بساخت. بنابراین که شداد از احفا ارم است این باغ را اضافت بدو کرده، ارم می گویند (۱۶).

۲_ دار السلام

در قرآن کریم این نام دو بار تکرار شده که عمدتاً دو معنا برای آن ذکر شده است:

الف_ سلام نام خداست و "دارالسلام" به معنی خانه یا سرای بهشت است، عند ربهم (۳۲-۳۱).

ب_ سلام از نظر لغوی یعنی دور بودن از آفات ظاهری و باطنی و دارالسلام به معنای محلی است که در آن

هیچ آفتی از قبیل مرگ، مرض، فقر، غم و اندوه ساکنان را تهدید نکند.

۳_ جنات الفردوس

در روایتی از حضرت علی(ع) نقل شده است: برای هر چیز اعلائی است و اعلائی بهشت فردوس است. در اکثر تفاسیر در مآخذ کلمه فردوس اختلاف نظر هست و بعضاً آن را رومی، سریانی، نبطی و عربی دانسته اند. اصل این کلمه فارسی "پردیس" است و معرب "فردوس"، فردیس و جمع آن را "فرادیس" می گویند و به معنی باغ و بستانی است که دارای انواع گوناگون میوه و خاصه، انگور باشد. این تعبیر با باغ ایرانی و عناصر آن مانند کوشک و فراز و فرود باغ ایرانی هماهنگی کامل دارد.

۴_ روضات الجنات

روضه را به معنای چمنزار، باغ های سر سبز، باغ با طراوت و باغستان و مرغزار پر از ریاحین و چشمه های روان دانسته اند که بر این اساس در مجموع "روضه" به معنای زمین سبز و خرمی است که درختان و گیاهان در آن می رویند و کلمه "جنت" زمینی است که درختکاری شده باشد و درختانش بر زمین سایه گسترده باشند. بر این اساس به نظر می رسد "روضات الجنات"، باغ های مشجری است که در وسط زمین سبز و خرمی را فرا گرفته باشد. این تعبیر در باغ "ارم شیراز" دیده می شود (۳۳)، چنان که زمین چمنی در آن قرار دارد که ارتفاع آن پایین تر از پیاده روهای اطراف است و اطراف آن را درختان فرا گرفته است و دارای آلاچیق های ورودی زیبایی است که محلی برای استراحت در هنگام شب های تابستان است.

۵_ جنات عدن

"عدن" در قرآن ۱۱ بار ذکر شده است که "جنات عدن" را جایگاه پیامبران، شهدا و صدیقین و حکمای عادل دانسته اند (۳۲). همچنین جنات عدن را "وسط حقیقی بهشت" دانسته اند (۳۴) که حصار آن یاقوت سرخ است. بر این اساس این تفاسیر از بهشت و باغ های بهشتی یاد آور بادگیرها

در میان این گروه می توان به انگلبرت کمپفر اشاره کرد که در دوره شاه سلیمان به ایران آمده و ترکیب عناصر باغ های ایرانی را "تمثالی از بهشت نازل" دانسته است (۱۱): «این باغ ها از نظر آن که با عمارات و قصور کوچک دلبا باغچه های شکوفان ، بوته ها و گل های نادر دست چین و انواع و اقسام آبگیرها و فواره ها آراسته شده است، حکم بهشت روی زمین را دارد». علاوه بر این کمپفر در توجیه کاخ و "باغ هشت بهشت" آورده است: «جلال و جبروت و زیبایی بی نظیری که این کاخ دارد باعث شده که به آن نام "هشت بهشت" بدهند و به همین علت تمام باغ نیز به همین نام شهرت یافته است».

ب_ گروهی دیگر که بر اثر برخورداری از جهان بینی مادی تنها به دیدگاه ایرانیان در این مفهوم اشاره دارند، چنان که "دونالد ویلبر" در کتاب "باغ های ایران و کوشک های آن"، علت وجودی "تمثیل باغ ایرانی از بهشت" را گرمای سوزان و بیابان های لم یزرع می داند و چنین می آورد: «هنگام پیمودن جاده طویل بغداد - تهران در گرمای سوزان تابستان دانستم... قهوه خانه هایی ... دارای حوض آب و ... باغچه هایی معطر که نهر آبی در آن جریان داشت، بلافاصله تشبیه باغ به بهشت که ایرانیان مکرر به آن اشاره می کنند، در نظر من امری طبیعی جلوه نمود» (۱۳).

در هر صورت بر اساس نتایج تحقیق حاضر تمام سیاحان اروپایی به باور ایرانیان در تمثیلی بودن محیط زیست برون مضمون (ex situ) و باغ های ایرانی از بهشت ادعان کرده اند ، امری که برای تمام ایرانیان پذیرفتنی و آشکار است.

در مناطق کویری و انتقال باد به حوضخانه کوشک و تمثیل از این تصاویر بهشتی از زبان تفسیر قرآن است.

یافته ها و نتایج تحقیق

باغ ایرانی مجرای به درونی ترین لایه اندیشه و خیال و تعبیری حکیمانه از جهان بینی ایرانی قلمداد می شود. در جهان بینی اسلامی، طبیعت مرتبه ای از سلسله مراتب کلی وجود است و سیر در آن مرحله ای از سلوک در راه معرفت می باشد. فرمانروایان و معماران ایرانی نیز ملزم به ساخت چنین باغ هایی برای خویش بودند، چنان که یکی از این "په اره دئسه" ها یا "پردیس" ها، باغ های ساخته شده دوران خشایار شاه بوده است که بعدها "پارادایز" نیز نامیده می شده است. جالب این که کلمه "بهشت" یا "وهشت" به معنای بهترین زندگی است که به صورت باغی سر سبز، خرم و زیبا مجسم می شده است (۳۵). بر این اساس بوده است که ایرانیان تصور ذهنی خویش از بهشت را که در ازای اعمال نیک به آن ها بخشیده می شده است، در باغ هایی سر سبز و خرم به تصویر کشیده اند، چنان که بقول زنده یاد محمدکریم پیرنیا در بهشت کوثر هست و درختان و گل ها و جویبارها و در باغ نیز آب روان خوش و گل های زیبا و درخت هایی که می توان در سایه آن ها آرمید و این همه محصور در دیواری که مانع ورود جهنمیان به آن می شود که این مفاهیم در باغ سازی ایرانی تاثیرگذار بوده است.

سفرنامه های سیاحان خارجی

در سفرنامه های گردشگران خارجی نیز رویکردهایی مختلف درباره باغ های ایرانی دیده می شود، چنان که برخی از سیاحان به دلیل برخورداری از زیر بنای فکری مادی نتوانسته اند به درک حقیقت باغسازی ایرانی بپردازند. در هر صورت نظرات و آرای گردشگران خارجی درباره باغ های ایرانی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف_ گروهی که با اشاره به دیدگاه ایرانیان به این نکته که باغ ایرانی تمثیلی از بهشت است خود نیز بر این امر ادعان دارند.

جدول ۱- آرای گردشگران خارجی درباره باغ های ایرانی

ردیف	دیدگاه جهانگردان درباره باغ و مناظر طبیعی و سبز شهری	نام جهانگرد
۱	نقل دیدگاه ایرانیان در تمثیل باغ به بهشت موعود	توماس هربرت
۲	توصیف جاذبه های مسحور کننده مناظر طبیعی بدون ذکر دلایل و جزئیات	سولتیکف هرمان نوردن
۳	وفور امکانات تفریح خوشگذرانی و رفاه در دربار صفوی	ژان شاردن
۴	حضور عناصر باغ های ایرانی که تصویری بهشت گونه ارایه می کند	انگلبرت کمپفر
۵	توجیه مادی این دیدگاه با استناد به گرمای سوزان و خشکی بیان های لم یزرع	دونالد ان. ویلبر بنجامین

ماخذ: نتایج تحقیق.

در بهشتی از شبی آمد پدید».

۲. کتاب "تاریخ عالم آرای عباسی"، تألیف اسکندر بیگ ترکمان که در مطلبی در ذکر آثار خیر و انشاء و احداث عمارات، به گزارش احداث باغشهر اصفهان توسط شاه عباس و تلقی مردم آن زمان از بهشت موعود در مقام مقایسه باغ های احداث شده با بهشت می پردازد: «... درختان سر بفلک افراخته و اشجار میوه دارش گویی بطوبی چنان پیوند دارد، الحاصل هر باغی از آن رشک فرمای باغ جنان و عمارت رفیعش ... گویی سدید و خورنق از آن نشانی است، مجملا معمار همت والای شاهی به ترتیب و تزین خطه فرح افزای صفاهان پرداختند و آن بلده طیه را از کثرت عمارات و باغات و منازل مرغوب دلگشا و رواق ها و منظره های بهجت افزا، مصر جامع ساخته و ایوم خلد برین داغ بندگیش بر جبین دارد و امروز چنانچه کمال اسمعیل گفته:

عجب چهار باغی است بهجت فزا

گرش ثانی خلد گویند شاید

چو تاریخ آن دل طلب کرد گفتم

نهالش بکام دل شه بر آید

در راستای احیای باغ های ایرانی منبعث از فرهنگ اسلامی لازم است تا با بازنگری و بازبینی مفاهیم مرتبط با بهشت، به چگونگی و میزان تاثیر این مفاهیم در عناصر و مولفه های باغ ایرانی اشاره شود. بر این اساس و برای بررسی این امر تحقیقی جامع در آیات و تفاسیر قرآن کریم که به توصیف بهشت پرداخته اند، صورت گرفته است که در ادامه به آنها به اشاره می شود:

عناصر باغ های ایرانی

۱. گیاهان در باغ ایرانی

در فرهنگ اسلامی درخت نمایش رحمت الهی است که نه در شرق است و نه در غرب، بلکه در مرکز قرار دارد و مظهر رحمت

مورخان و نویسندگان ایرانی

در این بخش تحقیق پس از مراجعه به کتب تاریخی و اسناد موجود، این نتیجه استخراج شد که از دیدگاه مورخان و نویسندگان ایرانی، محیط زیست مصنوع ایرانی (باغ و پردیس) نمادی از بهشت و باغ های بهشتی است که تنها به دو مورد از آن ها اشاره می شود:

۱. کتاب "تاریخ عباسی" که بوسیله "ملا جلال"، منجم باشی شاه عباس نوشته شده است، به طرح احداث "باغ عباس آباد" - هزار جریب- پرداخته شده و نهر احداث شده برای باغ را به "آب کوثر" و "باغ هزار جریب" را به "بهشت" تشبیه کرده است [۱۷]: «... و در سال یک هزار و شش نهتری عظیم از زاینده رود جدا ساختند و به باغ عباس آباد آوردند و از آن جا به کل باغ ها جاری ساختند تاریخی به جهت این گفته شده بود، نوشته شد، قطعه:

دوش عقلم گفت آب کوثری

انواع و اقسام آبگیرها و فواره ها آراسته شده است، حکم بهشت روی زمین را دارد». بر این اساس انواع گیاهان باغ های بهشتی را که در مقام تمثیل در باغ های ایرانی نیز به وفور یافت می شود می توان چنین تقسیم بندی کرد:

۱ _ گیاهان گرمسیری و سردسیری.

۲ _ گیاهان داربستی و غیر داربستی.

۳ _ گیاهان مثمر و غیر مثمر.

۴ _ گیاهان خودرو و غیر خودرو.

۵ _ گیاهان سایه دار و غیر سایه دار.

۶ _ گیاهان متشابه و غیر متشابه.

از سویی دیگر می توان تقسیم بندی دیگری نیز از درختان و گیاهان باغ های بهشتی ارایه کرد که در روند تحقیق حاضر به دست آمده است. این تقسیم بندی را می توان چنین بیان نمود:

الف _ تقسیم بندی بر اساس شرایط اقلیمی

ب _ تقسیم بندی بر اساس چگونگی کاشت

ج _ تقسیم بندی بر اساس نوع محصول دهی

د _ تقسیم بندی بر اساس شکل و فرم گیاهان

ه _ تقسیم بندی بر اساس فواید جنبی

و _ تقسیم بندی بر اساس نوع و مکان کاشت

الف _ در این تقسیم بندی به شرایط اقلیمی و جغرافیایی در کاشت گیاهان اشاره می شود، هرچند که در بهشت، دما و محدودیت های زندگی مادی وجود ندارد و منظور از این گفتار تنها ذکر این نکته است که به دلایل مادی در این جهان خاکی امکان کاشت گیاهان گرمسیری و سردسیری در کنار هم وجود ندارد، ولی در بهشت و باغ های بهشتی محدودیت های طبیعی و محیطی (دما، سردی، گرمی و ...) وجود ندارد (سوره انعام، آیه ۹۹). در ترجمه تفسیر نمونه ذیل این آیه چنین آمده است: (۳۰) "... به وسیله آن گیاهان گوناگون رویانیدیم، از آن شاخه های سبز خارج ساختیم و از آن دانه های متراکم و از شکوفه نخل، خوشه ها با رشته های باریک بیرون فرستادیم و باغ ها از انواع انگور و زیتون و انار،

روحانی و تنویر است، نور الله که زمین را منور می سازد. (همانند درخت زیتون که هم روزی ده است و هم چراغ: الله نور السموات و الارض مثل کمشکوة فیها مصباح المصباح فی زجاجة کان ها کولک دری و ... «سوره نور: ۳۵»). در قرآن کریم نیز به عنوان کلام الهی و الهام بخش اندیشمندان و هنرمندان، بارها و بارها از واژه درخت و انواع مختلف آن مانند طوبی، خرما، زیتون، انار، انجیر و... نام برده شده است و معانی بسیار عمیق و با ارزش را به صورت نمادین به کمک آن بازگو نموده است. تعبیر درخت در قرآن بسیار متنوع و شگفت انگیز است: مثلاً در سوره "یس" در بحث آفرینش و حیات باز پسین، خداوند پدید آمدن آتش از درخت سبز را به عنوان پدیده ای شگفت آور و عبرت آموز نقل می کند. در عین حال، می توان گفت که والاترین درختان در قرآن، درخت سدره المنتهی یا درخت طوبی است که در بهشت مأوی دارد. شایان ذکر است نماد و مفهوم درخت در کلام الهی، صورتی جهنمی نیز دارد که به لحاظ جایگاه و قداست در مقابل درخت طوبی است، این درخت «زقوم» نام دارد و در جهنم می روید.

اشجار گیاهان و سایه آن ها از زیباترین تعبیر بهشتی بشمار می روند که در باغ و پردیس سازی ایرانی بسیار مورد توجه بوده اند، چنان که استفاده از درختان انبوه و پهن برگ و یا درختان بلند قامت (افرای سرخ، ارغوان معمولی) یا گیاهان با بافت نرم و شاخه های منعطف (انجیر، زیتون و بید مجنون) یا درختان مثمر به کرات در باغ ایرانی در شرایط اقلیمی ایران دیده می شود. در این میان با استناد به قرآن کریم و تفاسیر طوبی، سدره، سدر و طلح از جمله درختان زیبای بهشتی هستند که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته اند. این امر در آرای جهانگردان و سیاحان خارجی نیز بازتابهایی خاص داشته است که نشان از اهمیت درختان و گیاهان در جلوه دهی باغ های ایرانی و ایجاد مفهوم تمثیلی بهشت در باغ ایرانی را دارد، چنان که "کمپفر" ترکیب درختان گیاهان و گل ها در باغ های ایرانی را "تمثیلی از بهشت نازل" دانسته است (۱۱): «این باغ ها از نظر آن که با عمارات و قصور کوچک دلربا باغچه های شکوفان، بوته ها و گل های نادر دست چین و

شبهه یکدیگر و بی شباهت، هنگامی که میوه می کند به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه هایی برای افراد با ایمان است."

ب_ با این مفهوم می توان به گیاهان داربستی و غیر داربستی (سوره اعراف، آیه ۱۴۱) اشاره داشت که تفاسیر در مورد معنای "معروش" و "غیر معروش" به ۳ نکته اشاره داشته اند:

ب_۱_ درختانی که روی پای خود نمی ایستند و نیاز به داربست دارند و درختانی که بدون نیاز به داربست، روی پای خود می ایستند (۳۰).

ب_۲_ منظور از معروش درخت اهلی است که به وسیله دیوار و امثال آن در باغ ها حفاظت می شود و غیر معروش، درختان بیابانی، جنگلی و کوهستانی است.

ب_۳_ معروش درختی است که بر سر پا ایستاده و یا بر روی زمین بلند شده، اما غیر معروش، درختی است که به روی زمین می خوابد و پهن می شود. همچنین می توان به درختان و زراعت در یک زمان در باغ ها اشاره کرد (النخل و الزرع).

ج_ منظور مثمر و غیر مثمر بودن گیاهان در باغ است، چنانکه برخی گیاهان باغ ایرانی دارای ثمر بوده اند و بقیه برای جلوه بصری و یا سایه دار بودن آن ها مورد استفاده قرار می گرفته اند. در ضمن می توان به گیاهان مورد استفاده برای حیوانات و گیاهان کاشت شده در کرت باغ ها نیز اشاره کرد. همچنین بایستی به گوناگونی ثمرات در "گیاهان مثمر" اشاره داشت: لهم فیها من کل الثمرات (سوره محمد، آیه ۱۵) برای آنها در بهشت از تمام انواع میوه ها موجود است.

د_ در این رابطه می توان به آیه ۱۴۱ سوره اعراف اشاره کرد، چنان که تفسیر نمونه (۳۰) به آن اشاره دارد: باغ های معروش (باغ هایی که درختانش روی داربست ها قرار می گیرند) و باغ های غیر معروش (درختانی که نیاز به داربست ندارند) را آفرید. همچنین در ادامه آیه آمده است: "و النخل و الزرع مختلفا اكله و الزيتون و الرمان متشبهها و غیر متشبه". این آیه به این نکته اشارت دارد که نخل و انواع زراعت از نظر میوه و طعم و نوع متفاوت هستند که در انطباق با انواع کشتهای

درختی خودرو و زراعی در وسط باغ های اسلامی قابل فهم است. همچنین به گوناگونی درختان با میوه های متشابه ولی در عین حال غیر متشابه از نظر طعم و خاصیت می پردازد.

ه _ در این مورد منظور فواید گیاهان، غیر از میوه دهی و ثمر بخشی آن هاست که شامل سایه دهی (سوره نساء، آیه ۵۷) و ایجاد آرامش و سکینه درون و یا "نشانه ای از قدرت پروردگار" برای انسان می باشد.

و _ منظور مکان کاشت گیاهان از لحاظ قرار گیری در باغ است تا بهترین کیفیت در محصول دهی یا فواید حاصل از آن ها فراهم شود، چنان که در سوره نور آیه شریفه ۳۵ آمده است: (... یوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقیه و لا غربیه...). در تفسیر این آیه می توان به تفسیر نمونه (ج ۱۴، ص ۴۷۷) (۳۰) اشاره کرد که بر مکان مناسب برای کشت گیاهان و در نظر گیری آن در کاشت اشاره دارد، چنان که آورده شده است: "...آن هم درختی که تمام جوانب آن به طور مساوی در معرض تابش آفتاب باشد، نه در جانب شرق باغ و کنار دیواری قرار گرفته باشد و نه در جانب غرب که تنها یک سمت آن آفتاب ببیند و در نتیجه، میوه آن نیمی رسیده و نیمی نارس و روغن آن ناصاف گردد". علاوه بر این می توان به سوره کهف آیه ۳۲ اشاره کرد که ذیل آن در تفسیر نمونه (۳۰) آمده است: "...داستان آن دو مرد را که برای یکی دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم و در گرداگرد آن درختان نخل و در میان این دو زراعت پر برکت ... که به مکان کاشت زراعت در وسط باغ اشاره دارد که گرداگرد آن درختان انگور قرار دارد و دور تا دور آن ها را درختان نخل فرا می گیرد. همچنین در سوره سبا آیه ۱۵ آمده است: "...جنتان عن یمین و شمال... یعنی دو باغ عظیم و گسترده از راست و چپ".

در ادامه به برخی از درختان بهشتی اشاره می شود:

۱- سدر مخضود و طلع منضود: در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره واقعه از "سدر مخضود" (درختان سدر پر میوه بی خار) و "طلع منضود" (درختان موز پر برگ سایه دار که میوه شان از پایین تا بالا روی هم چیده شده) نام برده است.

۱- رودخانه ای از آب زلال که هیچ وقت قطع نمی شود (انهار من ماء غیر اسن).

۲- رودخانه ای از شیر که مزه آن هیچ وقت تغییر نمی کند (انهار من لبن لم تغییر طعمه).

۳- رودخانه ای از شراب (انهار من خمره الشاربین).

۴- رودخانه ای از عسل (انهار من عسل مصفی).

زیباترین توصیف بهشت با به کار بردن ترکیب "جنات تجری من تحتها الانهار"، حاصل شده است که "نقطه عطف تصاویر بهشتی" است و به معنی باغ و پردیس هایی است که دائما از زیر درختان و قصرهای آن (نه زیر زمین آن)، جوی های آب جاری است. این مفهوم در ۴۱ جای قرآن آورده شده است که در ۳۷ مورد آن، ترکیب لغوی "بهشت اخروی با نه‌رهای جاری"، بکار رفته است. باغ ایرانی از ترکیب "آب جاری" و "پوشش درخت"، واحه ای در دل طبیعت خشک ایجاد می کند که می تواند تمثیلی از مناظر خرم و سرسبز باغ های بهشتی باشد که با التفات به تضاد محیط کویری ایران و سرسبزی و چشم نوازی و طراوت باغ، قابل درک و پذیرفتنی است. در قرآن کریم نیز برای بهشت توصیف هایی آورده شده است که مهم ترین آن، وصف نه‌رهای "چهارگانه بهشتی" است که از زیر "غرفه های بهشتی" جاری است، چنان که اساس طرح ریزی هندسی باغ ایرانی به صورت چهار باغ (چهار نه‌ر)، و چگونگی حرکت دهی آب در باغ بر اساس همین امر استوار می شده است. چنانکه در بالا اشاره شد، این چهار نه‌ر با عناوین "نه‌رهای از آب زلال"، "نه‌رهای از شیر"، "نه‌رهای از شراب" و "نه‌رهای از عسل" وصف شده اند. علاوه بر این، ابن بطوطه (۳۲) در سفرنامه خود، از نیل، فرات جیحون و سیحون (چهار رودخانه دنیوی) به عنوان رودهای بهشتی یاد و به حدیثی از پیامبر اکرم در تفسیر سوره مذکور اشاره می کند. بر این اساس بی هیچ تردیدی می توان جریان آب در باغ و حرکت آن در چهار مسیر را، انگاره معمار و باغ ساز ایرانی از مفهوم نمادین چهار نه‌ر بهشتی دانست که در باغ ایرانی به کار گرفته شده است.

۲- طوبی: کلمه طوبی تنها در سوره رعد آیه ۲۹۰ آورده شده است که از نظر لغوی به معنای زندگی پاک، دوام خیر و فرح و چشم روشنی و نظیر این ها آمده است. تفاسیر قرآن بر اساس روایتی از رسول اکرم طوبی را درختی در بهشت دانسته اند (۳۲) که ریشه اش در منزل رسول خدا (ص) است و هیچ منزلی در بهشت نیست، مگر آن که از آن درخت یک شاخه در آن خانه کشیده باشند.

۳- سدره المنتهی: تفاسیر "سدره المنتهی" را درختی دانسته اند که بر بالای آسمان هفتم در اصل عرش قرار دارد و برگ آن بر سر عالمیان است. در جای دیگر نیز ذکر شده است که حضرت رسول در شب معراج چون به آن رسیده، دیده است که چهار جوی بهشتی از زیر آن بیرون می آید.

۴- همچنین بایستی به انگور، خرما، زیتون نیز اشاره کرد که برای جلوگیری از طولانی شدن کلام از ذکر آن ها خودداری می شود.

آب در باغ های ایرانی

به کارگیری آب در باغ سازی ایرانی از مهم ترین موارد تمثیلی بهشت در باغ ایرانی به شمار می رود که در آرای جهانگردان خارجی نیز بازتاب داشته است، چنان که "بنجامین" می گوید: «جهانگرد در حالی که ساعت ها در یک صحرای خشک و سوزان طی طریق کرده است، ناگهان در مقابل خود وسط صحرا آبادی را می یابد، سبز و خرم و با هوای لطیف که رودخانه کوچکی با آب گوارا از میان آن می گذرد و مانند آن است که ناگهان وارد بهشت کوچکی شده باشد» (۷). بر این اساس به عنصر آب در باغ ایرانی اشاره می شود که در راستای این امر به انهار، آبشارها، چشمه ها و حوضهای بهشتی در انطباق با استفاده های مشابه در باغ و پردیس سازی ایرانی پرداخته می شود:

نه‌رها در بهشت و انطباق با باغ های ایرانی:

در آیه ۱۵ سوره محمد، بهشت متشکل از ۴ رودخانه بیان می گردد:

آبشار در بهشت و انطباق با باغ های ایرانی

یکی دیگر از تصاویر زیبا در چگونگی به کارگیری آب در باغسازی ایرانی، نمایش فرمی و صوری آبشارهایی است که در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره واقعه، چنین به آن ها اشاره شده است: "و ظل ممدود و ماء مسکوب" (و (اصحاب یمین) در سایه گسترده و کشیده در کنار آبشارها قرار دارند). این تصویر از بهشت، سایه درختان با ترنم آبشارها را به ذهن متبادر می کند که در اکثر باغ های ایرانی مشاهده می شود، چنان که آب جاری در جویبارها و جوی های کم شیب و مارپیچ به حرکت در می آمده و از آبشارهایی که کف آن ها از تخته سنگی با "تراش سینه کبکی" تشکیل می شده، فرو می ریخته است و تصاویری بی بدیل از موجهای زیبا و ترنم دلنشین باغ های بهشتی ایجاد می کرده است که نمونه آن در "باغ قدمگاه نیشابور" با آبشارها و سنگهای سینه کبکی قابل شهود است.

چشمه در بهشت و انطباق با باغ های ایرانی

چشمه های آب جاری را می بایستی از چشم نوازترین توصیفات قرآن کریم از باغ های بهشتی به شمار آورد که در باغ و پردیس سازی ایرانی نیز نمود و جلوه ای درخور تحسین دارد. این امر در دنیای مادی نیز به عنوان منشا حیات و احداث باغ بهشت مادی از اساسی ترین اصول به شمار می رود که در قرآن کریم و تفاسیر نیز بارها به چشمه های بهشتی اشاره شده است، چنان که در قرآن کریم دو بار از معجزه حضرت موسی در جاری کردن دوازده چشمه آب یاد شده است (البقره آیه ۶۰ و الاعراف آیه ۱۶۰). مفهومی نمادین از این تصویر قرآنی از باغ های بهشتی در باغ های ایرانی به قدر محدود و ثابت به منصف ظهور رسیده است، چنان که در باغ ایرانی آب را به درون زمین برده و از مکان هایی خاص به بیرون جاری می کرده اند. لازم به ذکر است که معمولا آب در باغ ایرانی به وسیله کاریز تامین می شده است و باغ در مظهر قنات واقع می شده و این امکان را فراهم می کرده است که آب از محلی خاص از درون زمین بیرون آمده و جاری شود، اگرچه این گونه تمهیدات به صورت بسیار متنوعی با استفاده از لوله

های تنبوشه سفالی ایجاد می شده است که نمونه آن را در باغ فین کاشان دیده می شود.

حوض ها در بهشت و انطباق با باغ های ایرانی

کلمه "کوثر" در آیه "انا اعطیناک الکوثر" (سوره کوثر آیه ۱) را به معنای نهری در بهشت و "حوض خاص رسول خدا (ص) در بهشت" و یا صحرای محشر دانسته اند، چنان که نهر یا حوض کوثر در بعضی از روایات آمده است، از زیر عرش جریان دارد و مبدا و نهایت آن بی پایان و نامحدود است و هر کس به اندازه ظرفیت ذهن صاف و پاکش از آن دریافت و بهره ای دارد (۵۱). این مفهوم در کاربرد تمثیلی آن در اکثر باغ های ایرانی به صور کالبدی جوی آبی که از طبقه زیرین کوشک سرچشمه می گیرد به نمایش در می آید که به حوض جلوی عمارت می ریزد. حوض و آبنا و استخر در "مظهر قنات" باغ ایرانی، ساخته می شده است که آب پس از بیرون آمدن در طبقه همکف و ریختن به حوض به سمت استخر جلوی عمارت هدایت می شده است. جاری شدن آب از حوض زیر عمارت و یا جلوی آن، تصویر بهشتی کوثر را به ذهن می آورد، چنان که این برداشت تمثیلی از باغ های بهشتی را مولف تاریخ عباسی (۱۷) در وصف احداث نهر منشعب از زاینده رود در "باغ هزار جریب اصفهان" به سال ۱۰۰۶ ه.ق، چنین به شعر در آورده است:

دوش عقلم گفت آب کوثری

در بهشتی از شبی آمد پدید

نتیجه گیری

ایرانی هرگز تعامل خود را با محیط زیست خود جدای از فرهنگ و دین خود ندیده است و بر همین اساس است که محیط زیست را جلوه ای از جمال خداوندی و ابزاری برای تزکیه نفس و تعالی روحانی قرار داده است. از سویی دیگر، محیط شناسی ایرانی به طور اعم به دو گونه محیط شناسی اقلیمی و محیط شناسی تعهدی تقسیم می شود که محیط شناسی اقلیمی، مقدمه ای برای محیط شناسی تعهدی قلمداد

۷. بنجامین، س. ج. و. (۱۳۶۳) ایران و ایرانیان (عصر ناصر الدین شاه)، ترجمه حسین کرد بچه، انتشارات جاویدان تهران.
۸. سولتیکف، الکسیس (۱۳۵۶)، مسافرت به ایران (زمان محمد شاه قاجار)، ترجمه محسن صبا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۹. شاردن (۱۳۶۶)، سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، ج ۴ (اصفهان)، امیر کبیر، تهران.
۱۰. کارری، جملی (۱۳۴۸) سفرنامه جملی کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
۱۱. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳) سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، انتشارات خوارزمی، تهران.
۱۲. نوردن، هرمان (۱۳۵۶) زیر آسمان ایران، ترجمه سیمین بدیعی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. ویلبر، دونالد (۱۳۴۸) باغ های ایران و کوشک های آن، ترجمه مهین دخت صبا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۱۴. ابن بطوطه (۱۳۱۷) تحفه النظار فی غرایب المصار و عجایب الاسفار (سفرنامه)، ترجمه محمد علی موحد، تهران.
۱۵. ابونصر هروی، قاسم بن یوسف (۱۳۵۶) ارشاد الزراعه، باهتمام محمد مشیری، انتشارات امیر کبیر، تهران.
۱۶. گیلانی، شیخ علی (۱۳۵۲) تاریخ مازندران، به تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
۱۷. منجم، ملا جلال الدین (۱۳۶۶)، تاریخ عباسی یا روزنامه ملا جلال، بکوشش سیف الله وحید نیا، انتشارات وحید، تهران.
۱۸. ترکمان، اسکندر بیگ (بی تا)، تاریخ عالم آرای عباسی، انتشارات امیر کبیر، تهران.

می شود. علاوه بر این، می توان با مشاهده فضاهای زیست محیطی دریافت که دو نوع محیط زیست درون مضمون و برون مضمون دیده می شود که متاسفانه امروزه بر اساس مبانی فکری غربی و طرح های بیگانه و غیر اصیل ایرانی، در ساختار شهری شکل می گیرد. بر این اساس است که لازم به نظر می رسد تا باغ ها و پردیس های ایرانی بر اساس مبانی فکری و حکمی اسلامی شکل گیرد که ضرورت این تحقیق را نیز تشکیل داده است. نتایج تحقیق حاضر بر این نکته تصریح دارد که ایرانی در طول تاریخ، باغ را تمثیلی از بهشت و باغ های بهشتی دانسته است و در عصر حاضر نیز، لازم به نظر می رسد تا در طرح ریزی و احداث باغ های ایرانی این مفاهیم علوی مورد استفاده قرار گیرد و از تقلیدهای ناشایست از پارک های غربی که هیچ گونه همخوانی با ساختار فکری و فرهنگی ایرانی ندارد، پرهیز شود.

منابع

۱. گویندو لیچاردی: متن سخنرانی (آوریل ۲۰۰۶)، "پیشنهاد یونسکو در احیای باغ های گیاه شناسی ایران تحت تاثیر مبانی زیباشناسی و علمی فرهنگ اسلامی باغ ها به استناد قران کریم"، وبلاگ UAN.
۲. خلیل نژاد، محمدرضا (۱۳۸۴) باغ ایرانی منظری از حکمت ایرانی، ماهنامه پیام سبز، شماره ۴۲.
۳. انصاری، مجتبی و محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۶) باغ ایرانی تمثیلی از بهشت با تاکید بر ارزش های باغ ایرانی دوران صفوی، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۲، بهار ۱۳۸۶.
۴. انصاری، مجتبی (۱۳۷۸) ارزش های باغ ایرانی (صفوی - اصفهان)، رساله دکتری معماری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
5. Khan sari et al (1998) The Persian Garden: Echoes of Paradise, Mage Publishers, 1998.
۶. آربری، ا.ج. (۱۳۴۶) شیراز مهد شعر و عرفان، ترجمه منوچهر کاشف، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.

۱۹. خواند میر، خواجه غیاث الدین (۱۳۶۲) تاریخ حبیب السیر، تصحیح زیر نظر: محمد دبیر سیاقی، جلد ۴، چاپ سوم، کتابفروشی خیام، تهران.
۲۰. واله اصفهانی (۱۳۷۱)، دیوان واله اصفهانی، با مقدمه و مقابله و تصحیح رضا عبداللهی، انتشارات برگ، تهران.
۲۱. الیگیری، دانت (۱۳۳۵) "بهشت" (کمدی الهی)، ترجمه و مقدمه شجاع الدین شفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۲. اقتداری، احمد (۱۳۵۳) دیار شهریاران یا آثار و بناهای تاریخی خوزستان، دو جلد، انجمن آثار ملی به نقل از پیلیم. م. رساله فارسی کاخ داریوش در شوش ترجمه و اقتباس محمد خان ملک یزدی تهران: چاپ دوم ۱۳۳۸ هجری شمسی.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳) تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسس همدانی، انتشارات رجا، تهران.
۲۴. انجیل لوقا، باب ۲۳ و رساله "پولس"، رسول به قرن‌تین، باب ۱۲.
۲۵. اسمیت. جان، الکساندر (۱۳۷۳/۹/۷)، سمینار معماری فضای سبز چرا نه؟، دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا.
۲۶. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۶)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، انتشارات اسلام، تهران.
۲۷. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۴۴)، نهج الصادقین، نشر اسلامی، تهران.
۲۸. الطبرسی، ابوعلی (۱۳۵۰~۶۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، فراهانی، تهران.
۲۹. بروجردی، سید ابراهیم (۱۳۴۱) تفسیر جامع، انتشارات صدر، تهران.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۵۳~۶۶) تفسیر نمونه، دار الکتاب الاسلامیه، تهران.
۳۱. الخزایی النیشابوری (۱۳۷۶) روض البیان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
۳۲. الشریف اللاهیجی، بهاء الدین (۱۳۶۳) تفسیر شریف لاهیجی، انتشارات علمی، تهران.
۳۳. انصاری، مجتبی (۱۳۶۷) اصول طراحی معماری اسلامی سنتی، پایان نامه کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر.
۳۴. الحسینی، حسین بن احمد (۱۳۶۴) تفسیر اثنی عشری، چاپ اول، ج ۸، انتشارات، میقات تهران.
۳۵. پیر نیا محمد کریم (۱۳۷۳) باغ های ایرانی آبادی شماره ۱۵ زمستان ۱۳۷۳.
۳۶. فریناز فربود، محمود طاووسی (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی مفهوم نمادین «درخت» در ایران، فصلنامه تحلیلی پژوهشی مدرس هنر، صفحه ۴۶.
۳۷. روحانی، غزاله (۱۳۷۱) "طراحی باغ و احداث فضای سبز"، تهران، انتشارات فرهنگ جامع.
۳۸. طالقانی، سید محمود (۱۳۵۸)، تفسیر پرتوی از قرآن، جلد ۴، شرکت سهامی انتشار، تهران.